




The University of Tehran Press

Human Rights and the Duty to Provide Humanitarian Aid From the Perspective of Islamic Jurisprudence

Nasrin Mosaffa¹  | Reza Ranjbar² 

1. Corresponding Author; Prof., Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: nmosaffa@ut.ac.ir
2. Ph.D. student in (International Relations), Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rezaranjbar@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	While most research focuses on the issue of humanitarian aid from an ethical and not mandatory viewpoint, this paper seeks to study humanitarian aid from the perspective of Islamic. In the international human rights system, with the extensive interpretation of these rights and adopting a positive approach, the only obligation to accept humanitarian aid has been proven. From a different perspective, this research seeks to examine the duty to provide humanitarian aid from in Islamic jurisprudence. The paper argues that the religion of Islam provides a positive approach to humanitarian aid. In this regard, the pre-Islamic principles of human dignity and justice and the Islamic obligation to preserve human life and the principle of “taliif al-qulub” (winning hearts) by using “zakat” (religious tax), prove the obligation to provide humanitarian aid to all people exposed to natural and unnatural disasters, especially to non-Muslims.
Pages: 139-158	
Received: 2023/06/27	
Received in revised form: 2023/08/13	
Accepted: 2023/09/10	
Published online: 2024/03/20	
Keywords: <i>humanitarian aid, positive human rights, human dignity, justice, the obligation to preserve the life of human being, compilation of hearts.</i>	
How To Cite	Mosaffa, Nasrin; Ranjbar, Reza (2024). Human Rights and the Duty to Provide Humanitarian Aid From the Perspective of Islamic Jurisprudence. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (1), 139-158. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.361446.3342
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.361446.3342
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۱۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۴، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۳

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

حقوق بشر و تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه از منظر فقه اسلامی

نسرین مصفا^۱ | رضا رنجبر^۲

۱. نویسنده مسئول: استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: nmosaffa@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری (روابط بین‌الملل)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezaranjbar@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۵۸-۱۳۹</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: تألیف قلوب، حقوق بشر مثبت، عدالت، کرامت انسانی، کمک‌های بشردوستانه، وجوب حفظ نفس محترمه.</p>	<p>در حالی که بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته موضوع کمک‌های بشردوستانه را از رویکردی اخلاقی و نه الزامی مورد توجه قرار داده‌اند، پژوهش حاضر با رویکردی جدید به تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه از منظر فقه اسلامی پرداخته است. در نظام بین‌الملل حقوق بشر تنها با تفسیر موسع از این حقوق و اتخاذ رویکرد اثباتی نسبت به آن، تنها الزام به پذیرش کمک‌های بشردوستانه اثبات شده است. این پژوهش با نگاهی متمایز در پی بررسی ادله تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه از منظر فقه اسلامی است و معتقد است دین مبین اسلام با برخورداری از اصول مترقی نسبت به نظام بین‌الملل حقوق بشر، رویکردی اثباتی نسبت به کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌دهد. در این زمینه ادله پیش‌فقهی کرامت انسانی و عدالت و ادله درون‌فقهی وجوب حفظ نفس محترمه و اصل تألیف قلوب در مبحث زکات، تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به تمامی انسان‌های در معرض بلایای طبیعی و غیرطبیعی به‌ویژه به غیرمسلمانان را بهتر اثبات می‌کنند.</p>
استناد	مصفا، نسرین؛ رنجبر، رضا (۱۴۰۳). حقوق بشر و تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه از منظر فقه اسلامی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۱)، ۱۳۹-۱۵۸. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.361446.3342
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.361446.3342
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

از حدود سی سال پیش با افزایش وقوع جنگ‌ها و خشونت‌ها و همچنین ازدیاد بلايا و مصائب طبیعی و شمار قربانیان و آسیب‌دیدگان ناشی از این حوادث، ضرورت کمک‌های بشردوستانه به‌منظور تسکین این آلام را بیش از پیش نمایان ساخته است. در اصطلاح کمک‌های بشردوستانه اقدام افراد، سازمان‌ها یا حکومت‌ها به یاری کردن مردمی است که در محنت به‌سر می‌برند. این کار به قصد حفظ حیات انسان، فرو نشاندن رنج و حفظ شأن انسانی آنان صورت می‌گیرد و اصول انسانیت، عدم جانبداری و بی‌طرفی هادی آن است (مستقیم، ۱۳۸۶: ۱۴).

کمک‌های بشردوستانه در معنای محدودتر، با عبارات مختلفی مانند کمک‌های بشردوستانه، امداد بشردوستانه، کمک‌های امدادی، اقدام امدادی، و اغلب به تمام فعالیت‌های ذکر شده، به استثنای کمک‌ها و همکاری‌های توسعه‌ای اشاره می‌کنند که مبنای قانونی آن در ماده ۷۰ بند ۱ پروتکل الحاقی اول ژنو ۱۹۷۷ و قوانین عرفی مربوطه است. با وجود اصطلاحات متفاوت، «کمک‌های بشردوستانه» شامل ارائه کالاها و خدمات ضروری برای بقای کسانی است که به‌طور مستقیم تحت تأثیر بلايای انسان‌ساز از جمله درگیری‌های مسلحانه یا بلايای طبیعی‌اند و این ممکن است شامل کمک‌های مادی یا خدمات اداری باشد (Heintze & Zwitter, 2011: 7).

حقوق بین‌الملل بین رژیم حقوقی کمک‌های بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه و در موقعیت‌های غیر درگیری تمایز قائل می‌شود. درحالی‌که رژیم حقوقی مخاصمات مسلحانه اغلب در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ گنجانده شده است، رژیم مناسب برای موقعیت‌های غیردرگیری‌ها به‌طور گسترده‌ای پراکنده است و باید از انواع مختلفی از اسناد، حقوقی و عرفی استخراج شود (Heintze & Zwitter, 2011: 8).

موضوع دریافت کمک‌های بشردوستانه یا وظیفه برای ارائه کمک‌های بشردوستانه یکی از مباحث چالش‌برانگیز در این زمینه است. در واقع برای اثبات وظیفه کمک‌های بشردوستانه باید حقوق بشر را از زاویه حقوق مثبت بنگریم نه صرف حقوق منفی. یکی از مهم‌ترین حقوقی که می‌توان از طریق آن حق بر کمک‌های بشردوستانه را توجیه کرد و به آن ثبات حقوقی بخشید، حق بر حیات است. تاکنون با استفاده از این حق تا حدودی تکلیف بر پذیرش کمک‌های بشردوستانه اثبات شده است. اما وظیفه و تکلیف اولیه سایر دولت‌ها برای ارائه کمک‌های بشردوستانه از چالش‌های اصلی در این زمینه است.

اگر حق حیات را تنها حقی منفی بدانیم، در این صورت گستره این حق فقط منع قتل را در برمی‌گیرد. بدین‌معنا که جوهره حق منفی در منع مداخله دیگران نسبت به حق خالصه می‌شود. تحلیل حق حیات در چارچوب نظری حق منفی، تحلیلی حداقلی از این حق است، به‌گونه‌ای که از چنین حقی به

دشواری می‌توان تعهد و تکلیفی برای دولت، فرد یا افراد جامعه بر اقدامات حمایتی رفاهی، بهداشتی و یا حتی آموزشی در حمایت از حیات فرد تصور کرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۴۱).

حقوق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با حیات انسان‌ها همانند سایر حقوق‌ها و آزادی‌های انسانی ماهیتی حق-ادعا و مطالبه‌ای دارند. بدین ترتیب الزام چنین حق‌هایی وجود متعهدی در مقابل آنهاست که علی‌القاعده چنین متعهدی دولت است که مقتضای اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. هر فردی در وهله اول از دولت خود یک مطالبه موجه برای تأمین حق مزبور دارد. اما تقسیم‌بندی مرزی و سرزمینی ضروری نیست. در واقع همان‌گونه که ایده حقوق بشر معاصر، افسانه حاکمیت مطلق کشورها را در هم شکسته است، به همان اندازه ایده تعهدی آنها را در مقابل درد و رنج‌های اقتصادی، آموزشی و بهداشتی شهروندان دیگر کشورها را به‌طور جدی زیر سؤال برده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

حداقل‌های معیشتی، آموزشی و بهداشتی فرد در نهایت به‌عنوان جلوه‌هایی از حق حیات انسانی مطرح خواهند بود که تمام جهانیان در مقابل آن متعهدند و نه صرفاً دولت‌های متبوع افراد؛ بنابراین در مرتبه اول دولت متبوع افراد و در مرتبه بعدی جامعه جهانی و تمام کشورها در مقابل این حق‌ها متعهدند و در صورت نقض حق‌های مذکور توسط دولت‌های متبوع به‌دلیل ناتوانی اقتصادی، تکلیف متوجه جامعه جهانی خواهد بود؛ از این‌رو امروزه کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته را می‌توان در عدد نقض‌کنندگان حقوق انسان‌های بی‌گناه فراوانی دانست که به‌دلیل نداشتن امکانات اولیه، حیات انسانی آنها در خطر است و کشورهای متبوعشان ناتوان از تأمین آن هستند (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۲۶۰-۲۶۱).

در اسلام رأفت و رحمت نسبت به بندگان خداوند توصیه شده است و تمامی مردم به اخلاق، محبت، نوع‌دوستی و خیر و تعاون به یکدیگر فرا خوانده شده‌اند، زیرا اسلام همه انسان‌ها را خانواده خداوند تلقی می‌کند و کسانی را محبوب‌ترین انسان‌ها نزد پروردگار می‌شمارد که به حال مردم مفیدترند. نکته بااهمیت این است که این حکم اخلاقی همه انسان‌ها را شامل می‌شود و تلاش دائم برای بهروزی کل بشر مطلوب دین است. قرآن مسلمانان را در انجام عمل خیر و صالح و اقدام به امور نیکو با آیاتی چون «ان الله یامرو بالعدل و الاحسان» (نحل/۹۰)، «واعملوا صالحاً» (سبا/۱۱)، «وافعلو خیراً» (حج/۷۷) و... سفارش کرده است (قربانیا، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

تعاون با غیرمسلمانان با رعایت کامل تقوا و احسان به‌صورت یک الزام در قرآن آمده است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «مگذارید که نفرتتان نسبت به گروهی که مانع از رفتن شما به مکان مقدس پرستش کعبه می‌شوند شما را به اعمال تجاوزکارانه سوق دهد، بلکه در امر نیک و تقوا یکدیگر را یاری رسانید» (مائده/۲). بنابراین هر انسانی به‌عنوان انسان استحقاق بهره‌مند شدن از احسان و نیکی دیگران را داراست، اعم از اینکه خود نیکوکار باشد یا نه. به‌ویژه اگر در وضعیتی اضطراری قرار داشته باشد که حق حیات او را در معرض مخاطره قرار دهد (قربانیا، ۱۳۸۶: ۱۲۸). اهمیت امداد و یاری‌رسانی نسبت

انسان‌های مصیبت‌دیده در اسلام به‌حدی است که از آن به‌عنوان واجب کفایی یاد می‌شود که با تکلیف دولت‌ها به کمک‌های بشردوستانه کاملاً مطابقت دارد.

نجات جان انسان‌ها آنگاه که در معرض خطر قرار گرفته‌اند، مورد تأکید فراوان اخلاق و منادیان کرامت انسانی است. در آموزه‌های سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، کمک کردن به یکدیگر و نجات جان هم‌کیشان به‌هنگام خطر، وظیفه دینی هر انسان متدینی است. اما به‌جرات می‌توان گفت که تعالیم اسلام در خصوص تعاون و همیاری میان انسان‌ها بسیار متکامل‌تر از دو آیین دیگر است. قرآن کریم سرشار از آیاتی است که انسان را به عمل صلح و نیکی و تعاون اجتماعی سفارش می‌کند. برآورده ساختن حاجت دیگری و کمک به دیگران به‌هنگام ضرورت به‌ویژه زمانی که هستی و جان آنان در خطر است، از مصادیق بارز عمل صالح است.

خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: «به بنی‌اسرائیل اعلام کردیم که هر کس یک انسان را بکشد بدون او کسی را کشته باشد و یا فساد در زمین کرده باشد، گویا همه انسان‌ها را کشته است و هر کسی انسانی را از زنده کند (از مرگ برهاند)، گویا همه انسان‌ها را زنده کرده است». با این آیه قرآن کریم بیش از پیش ارزش حیات یک انسان و اهمیت حفظ آن را یادآور می‌شود (غفاری، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۷). از امام باقر (ع) سؤال شد منظور از «من احیایا...» در آیه ۳۲ سوره مائده چیست، فرمودند: «نجات دادن از حوادثی مانند آتش‌سوزی و غرق شدن (صالحی مازندرانی، بی‌تا: ۹۸). همان‌طور که از این آیه برداشت می‌شود، نجات جان یک تن از آتش‌سوزی و غرق شدن و بلایای مشابه، همانند نجات دادن جان همه انسان‌هاست که بیانگر اهمیت والای یاری‌رسانی به انسان‌ها در اسلام است.

سؤال اصلی این پژوهش این است که چرا ادله فقهی مرتبط در اسلام در مقایسه با اسناد حقوق بین‌الملل بشر تکلیف بر ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان را بهتر توجیه می‌کند؟ در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش فرضیه اصلی بر این مبناست که اعتبار حقوق بشر در اندیشه اسلامی بدان سبب است که این حقوق جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است که در ادله فقه اسلامی تبلور یافته و ایمان به این مکتب است که به حقوق بشر اعتبار می‌بخشد و آن را الزام‌آور می‌کند و از این رو در تفکر دینی و فقه اسلامی نه‌تنها حقوق بشر از زاویه مثبت آن نگریسته شده، بلکه از عمق و الزام و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار است.

هدف از این پژوهش بررسی ادله فقهی مربوط به تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان از منظر اسلام است. در این خصوص این پژوهش با بهره‌گیری از ادله پیش‌فقهی و درون‌فقهی موجود، موضوع تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان را بررسی می‌کند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش مقایسه‌ای به‌دنبال بررسی ادله‌ی مربوط به تکلیف به ارائه‌ی حقوق بشردوستانه در نظام بین‌الملل حقوق بشر و فقه اسلامی است.

۳. پیشینه تحقیق

بیشتر تحقیقات موجود تنها به تعهد کشورها در زمینه پذیرش کمک‌های بشردوستانه توجه کرده و وظیفه اولیه برای ارائه کمک‌های بشردوستانه را حکمی اخلاقی دانسته‌اند. در این خصوص می‌توان به مقاله «تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه» نوشته ناصر قربانیا اشاره کرد. از نظر ایشان در مواردی که دولت‌های مبتلا به بحران و وضعیت اضطراری توان تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم را ندارند یا در تأمین آنها در مشقت شدید قرار دارند، در چنین وضعیتی همه ملت‌ها و دولت‌ها تعهد اخلاقی دارند تا برای رفع معضلات و نجات ملت آسیب‌دیده مساعدت کنند (قربانیا: ۱۳۹۳).

حسام‌الدین لسانی در مقاله «بررسی تعهد دولت‌ها به قبول و ارسال کمک‌های بشردوستانه در زمان سوانح طبیعی» به بررسی پیش‌نویس معاهده تهیه‌شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص امدادسانی در زمان سوانح طبیعی پرداخته و به این نتیجه رهنمون شده که امدادسانی وظیفه دولت آسیب‌دیده است و رضایت این دولت عنصر لازم برای دریافت کمک‌های خارجی است، هرچند دولت آسیب‌دیده حق مخالفت بدون دلیل با ارسال کمک از خارج را ندارد (لسانی، ۱۳۹۸).

الهه نوروزی در کتاب *حقوق بین‌الملل و بلایای طبیعی*، با تمرکز بر افزایش آسیب‌پذیری جوامع در برابر بلاها و وابستگی روزافزون جهانی معتقد است که تهدید علیه یکی، تهدید علیه همه محسوب می‌شود و از سوی دیگر با عنایت به فرامرزی بودن آثار بلاها می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات ناشی از بلاها جنبه بین‌المللی و جهانی دارند و در حصار مرزها نمی‌گنجند. از نظر نگارنده نظام حقوق بین‌الملل در زمینه امدادسانی جامعه جهانی به مردم قربانی و حمایت از حقوق بنیادین آنها نارسایی دارد و نسبتاً توسعه‌نیافته است (نوروزی، ۱۳۹۲).

نسرین مصفا و موسی پاشا بنیاد در مقاله «کاربرد دکترین مسئولیت به حمایت در حقوق بین‌الملل پاسخ به حوادث» با اشاره به اینکه در شرایط جنگی، امداد به آسیب‌دیدگان با استناد به مقررات الزام‌آور حقوق بشردوستانه اغلب به‌سهولت صورت می‌گیرد، معتقدند مقررات مشابهی در شرایط حوادث طبیعی وجود ندارد و خلأ قانونی در این مورد، زمینه سوءاستفاده از اصول سنتی حاکمیت و عدم مداخله برای جلوگیری از امدادسانی بین‌المللی را فراهم می‌سازد. از نظر نگارندگان حقوق بین‌الملل پاسخ به حوادث به‌عنوان رشته‌ای نوظهور از حقوق بین‌الملل عمومی، به‌دنبال رهیافتی بر مبنای ارائه کمک‌های

بشردوستانه در چنان حوادثی است و دکتربین مسئولیت به حمایت، زمینۀ مناسبی بدین منظور به نظر می‌رسد، ولی جامعۀ بین‌المللی در مورد قابلیت اعمال دکتربین مسئولیت در وضعیت بروز حوادث طبیعی به اجماع نرسیده است (مصفا و بنیاد، ۱۳۹۵).

مجتبب حبیب‌اللهمی در پایان‌نامه کارشناس ارشد تحت عنوان «حق و تکلیف دولت‌ها در ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه» بیان می‌دارد که هیچ دولتی به لحاظ حقوقی متعهد نیست که کمک‌های بشردوستانه را به قربانیان بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه و دیگر کشورها ارسال کند. زمانی که این کمک‌ها کاملاً بشردوستانه است و با بی‌طرفی و عدم تبعیض میان قربانیان ارسال می‌شود، به موجب حقوق بشردوستانه دولت‌ها مکلف به دریافت کمک‌های بشردوستانه در دوران مخاصمات مسلحانه و بلایایی طبیعی اند (حبیب‌اللهمی، ۱۳۹۵).

۴. سازماندهی پژوهش

این پژوهش با مقدمۀ کوتاهی به طرح مسئله می‌پردازد و پس از بررسی موضوع تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه در نظام بین‌الملل حقوق بشر، موضوع تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان از منظر اسلام بررسی می‌شود. در این زمینه ادله پیش‌فقهی و درون‌فقهی که می‌توان از طریق آنها این تکلیف را اثبات کرد، مورد مذاقه قرار می‌گیرد و در پایان با نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده، خاتمه می‌یابد.

۵. تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه در نظام بین‌الملل حقوق بشر

نگاه منفی به حقوق بشر تنها مستلزم حمایت از آزادی افراد در مقابل دخالت دولت است؛ بنابراین فرض بر این است که حقوق بشر به‌جای وظایف مثبت برای اقدام، تنها سبب ایجاد وظایفی می‌شود که دولت را از مداخلۀ غیرموجه باز می‌دارد. در مقابل نگاه مثبت به حقوق بشر آن را موجد طیف وسیعی از وظایف تلقی می‌کند که هم وظایف محدودکننده و هم وظایف مثبت را شامل می‌شود (Fredman, 2008: 9). به‌عبارت دیگر حقوق ایجابی دولت را ملزم می‌کند که به‌جای خودداری از مداخلۀ ناموجه، اقدام کند. حقوق مثبت مستلزم این است که دولت واقعاً کاری انجام دهد. این نوع از حقوق در دو دهۀ گذشته مورد توجه فزاینده در بسیاری از حوزه‌های قضایی بوده است (Klatt, 2015: 334).

رویکرد «حداکثرگرایانه» به حقوق بشر مرز بین نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر را محو و تأکید می‌کند که حقوق مدنی و سیاسی جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. بر اساس رویکرد حداکثری، حقوق بشر حافظ کرامت انسانی است. بدان معنا که حقوق سلامت و غذا و سایر حقوقی که به‌طور سنتی به‌عنوان

حقوق اجتماعی تلقی می‌شوند، حقوق بشرند. از سوی دیگر، رویکرد «حداقل گرایانه» مدعی است که حقوق بشر می‌تواند به‌عنوان حداقل زمینه برای تأمین آزادی‌های عمدتاً بنیادی و منفی استفاده شود (Kolliniati, 2019: 27).

اساسی‌ترین حقوق بشر حق به حیات است. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌سادگی بیان می‌دارد که هر کسی از حق حیات، آزادی و امنیت برخوردار است. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی به‌طور خاص‌تری بیان می‌دارد: هر موجود بشری از حقوق ذاتی حیات برخوردار است. این حقوق باید توسط قانون محافظت شود. نهادهای سازمان ملل تمام سعی خودشان را برای ترویج اجرای حق بر حیات به‌کار گرفتند.

ارتباط حقوق بشر اساسی با کمک‌های بشردوستانه هنگامی که حق بر حداقل‌های زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد، روشن‌تر می‌شود. این حقوق در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است: هر کسی از حق استانداردهای مناسب زندگی برای سلامتی و سعادت خودش و خانواده‌اش مانند غذا، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری و حق به امنیت در مواقع فقدان این امور برخوردار است (Smith, 1985: 64).

نیاز خاص به غذا، پوشاک و مسکن در ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تصریح شده است؛ در بند نخست این ماده به «حق هر کس برای داشتن استانداردهای زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی» اشاره شده است. این ماده از ارتباط مفاد اسناد حقوق بشر با موقعیت‌های فاجعه‌آمیز حمایت بیشتری می‌کند. ماده ۱۱ در ادامه از دولت‌ها می‌خواهد که به‌صورت جداگانه و از طریق همکاری بین‌المللی اقدامات لازم را برای تحقق «حق اساسی ماهوی هر کس برای رهایی از گرسنگی» انجام دهند. برای به رسمیت شناختن حق رهایی از گرسنگی، ماده ۱۱ بند ۲ همان میثاق مقرر می‌دارد که اقدامات فردی و بین‌المللی از جمله برنامه‌های خاص باید توسط دولت‌های عضو انجام شود.

پاراگراف دوم (B) ماده ۱۱ همچنین به‌طور چشمگیری بیان می‌کند که توزیع غذا در جهان باید بر اساس نیاز انجام گیرد و تعهد به اجرای اقدامات و برنامه‌های خاص به‌منظور تضمین توزیع عادلانه را در برمی‌گیرد. وجود حق اولیه بر غذا در سایر سازوکارهای بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک شامل حق تغذیه کافی است. اعلامیه جهانی ریشه‌کنی گرسنگی و سوءتغذیه و سایر قطعنامه‌های تصویب‌شده در کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ نیز توسط سازمان ملل متحد تأیید شد. اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک به‌خودی‌خود ارتباط گسترده‌تری با امداد دارد، زیرا در ادامه تأکید می‌کند که کودکان باید از اولین کسانی باشند که در صورت لزوم حمایت و کمک دریافت می‌کنند (Smith, 1985: 65).

حقوق بین‌المللی واکنش به بلایا در دهه‌های گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است، همان‌طور که به‌وضوح با افزایش تعداد معاهدات مربوطه که در سراسر جهان امضا و تصویب شده‌اند، ثابت شده است (De

3: 2012). حقوق بشر چارچوب قانونی کلی برای واکنش به بلایا را به‌عنوان تکلیف اصلی دولت سرزمینی تعیین می‌کند، اما به همان اندازه برای کشورهایی که کمک می‌کنند الزام‌آور است. فهرستی از تعهدات حقوق بشری که بیشترین اهمیت را در حقوق واکنش به بلایا دارند، شامل حق زندگی، آزادی و امنیت افراد، حق هویت شخصی، حق رفتار انسانی، حق غذا آب و حق سلامتی است. این حقوق باید مطابق با اصل اساسی عدم تبعیض و بدون تمایز نامطلوب بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا هر وضعیت دیگر باشد (De Guttry, 2012: 49).

به‌طور کلی در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تعهد حقوقی بر ارائه کمک‌های بشردوستانه ندارند. در این فقدان تعهد حقوقی تفاوتی میان موقعیت مخاصمات مسلحانه و فجایع حاصل از سوانح و مصائب طبیعی وجود ندارد. البته اسنادی غیرالزامی ارائه چنین کمک‌هایی را توصیه می‌کنند که تأکیدی است بر تعهد اخلاقی دولت‌ها. دومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۹ به این نکته اشاره کرد که جوامع صلیب سرخ باید کمک‌های بشردوستانه را در زمان بروز فجایع که انسان‌هایی نیازمند امداد فوری و سازمان‌یافته‌اند، ارائه کنند. در بیست‌ویکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر در سال ۱۹۶۹ «اصول و قواعد صلیب سرخ برای عملیات امدادی در زمان بروز بلایا» به تصویب رسید (قربانیا، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸).

این سند نه تنها یک سند داخلی برای کمیته صلیب سرخ و هلال‌احمر محسوب نمی‌شود، بلکه سندی است که پاره‌ای از دول عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این سند ارائه و نیز دریافت کمک‌های بشردوستانه را از حقوق اساسی مردم تلقی کرده، اعضای کمیته را موظف کرده است که کمک‌های بشردوستانه را با رعایت اصل بی‌طرفی و بدون هیچ‌گونه تبعیض به آسیب‌دیدگان و نیازمندان ارائه کنند.

قطعه‌نامه ۴۶/۱۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیگر اسنادی است که بر کمک‌های بشردوستانه تأکید می‌کند. اصول راهنمایی که به این سند پیوست است، بر لزوم ارائه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلایای طبیعی و سایر وضعیت‌های اضطراری تصریح کرده است. علی‌رغم این موارد تأکید بر این نکته لازم است که هنوز کنوانسیون چندجانبه موجد تعهد حقوقی برای دولت‌ها نسبت به ارائه کمک‌های بشردوستانه به آسیب‌دیدگان از بلایا و سوانح طبیعی و یا غیرنظامیان قربانی مخاصمات مسلحانه وجود ندارد (قربانیا، ۱۳۹۳: ۲۸).

۶. تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان از منظر اسلام

تمامی محققان مسلمان حقوق بین‌الملل بر یک حکم اساسی و بسیار خلاصه فقهی در مورد مناسبات بین‌المللی متفق‌القول‌اند که می‌گوید: «المسلم و الکافر فی مصاب الدنيا سواء»، بنابراین کسی نمی‌تواند از

قانون و عدالت و عمل به وجدان به این بهانه که طرف دیگر غیرمسلمان است، تخطی کند. هیچ‌کس نمی‌تواند به هیچ دلیلی از تعهدی که در برابر غیرمسلمان بر گردن گرفته است، سرپیچی کند. تلافی و انتقام گرفتن از دیگران در اسلام مردود است. به همین ترتیب نهاد اسلامی امان دادن به دشمن که بر پایه دستور قرآنی «و ان احد من المشركين استجارك فاجره...» (توبه/۶) استوار است در مورد مشرکان که منفورترین غیرمسلمانان از نظر اسلام هستند، وضع شده است. در واقع کل ساختار حقوق بین‌الملل اسلامی در خصوص غیرمسلمانان وضع شده است، چراکه در نگاه بانیان این علم، دنیای اسلام تجلی یک واحد کل و یک جهان بوده است و آنچه آنان در پی تدوین بوده‌اند، این بوده که با غیرمسلمانان چگونه رفتار کنند (حمیدلله، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱).

در عصر حاضر چالش مهم رویاروی فقه اسلامی مسائل حقوق بشری است که فقها با یاری گرفتن از اصول و قواعد کلی فقهی باید به نظریه‌پردازی دست یازند، و در این زمینه یافتن اصول و قواعد کلی نقش اصل را ایفا می‌کند. اصول و قواعدی که برخی درون فقهی و برخی پیش فقهی محسوب می‌شود. منظور از اصول پیش فقهی، آن دسته از اصول عقلیه است که محور استنباطات فقهی قرار دارد و همواره باید متون لفظی را با محوریت آنها تفسیر کرد. عدالت و کرامت بشری دو اصل پیش فقهی برای اجتهاداند، دو اصلی که عقل بشری توان درک آنها را به‌طور مستقل دارد (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۱۱).

بنابراین، برای اثبات وجوب ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان از دو طریق ادله پیش فقهی و درون فقهی می‌توان استفاده کرد. ادله پیش فقهی کرامت انسانی و عدالت و ادله درون فقهی قاعده وجوب حفظ جان انسان و تألیف قلوب که یکی از موارد مصرف زکات واجب در این زمینه است، جهت اثبات وجوب ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان کمک‌کننده‌اند.

۷. ادله پیش فقهی اثبات وجوب ارائه کمک‌های بشردوستانه

۷.۱. اصل کرامت بشری

در متون اسلامی دو نوع کرامت برای انسان قابل مطالعه است، یکی کرامت فطری، ذاتی و غیرمقید به دین و عقیده و دیگری کرامتی اکتسابی که مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف‌شده است. اسلام موجد و منشأ کرامت ذاتی انسان نبوده است؛ بلکه هدف بررسی ابزار به رسمیت شناختن کرامت ذاتی انسان در دین اسلام و مقایسه محدود تعریف‌شده از شأن ذاتی انسان در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر است (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

در اسلام میان کرامت اکتسابی و ذاتی تمایز وجود دارد. کرامت ذاتی جهان‌شمول و صفتی فطری و ذاتی است: «ولقد کرمنا بنی آدم» (اسراء/۷۰). کرامت اکتسابی و غیرذاتی که مقید به عقیده انسان است و

در رابطه انسان با خداوند تعریف‌شدنی است: «ان اکرمکم عندالله اتقکم» (حجرات/۱۳). در این آیه مبنای کرامت نه بشریت، بلکه تقواست.

مطابق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از حقوق طبیعی بشر حق حیات است. در فرازهای متعددی از تعالیم اسلامی تضمین این حق بشر خود را نمایان می‌سازد. برای مثال در قرآن کریم آمده است: «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام/۱۵۱) و نیز «و من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً» (مائده/۳۲) در این دو آیه خداوند نفس انسان را صرف‌نظر از دین و جنسیت و زبان و فرهنگ او دارای حرمت معرفی کرده است (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۵).

اصل کرامت بشری از اصولی است که مانند «اصل عدالت» از اصول پیش‌فقهی است. اصول پیش‌فقهی اصولی است که چنین نیستند که در عرض قواعد درون‌فقهی قرار گیرند، بلکه در فوق و یا به تعبیر دیگر در طول آنها هستند. اصول پیش‌فقهی اصولی برون‌فقهی‌اند و چنانچه استنباطی در برخورد با آنها و رویاروی آنها قرار گیرد، باید بلافاصله عقب‌نشینی کند و شخص استنباط‌کننده، استنباط خویش را تخطئه کند.

اصل کرامت بشری این‌گونه است؛ یعنی نباید تنها به‌عنوان یک اصل فلسفی و انسان‌شناسانه آن را منزوی ساخت و رابطه‌اش را با روابط بین انسان‌ها قطع کرد. مجتهدان و متولیان شریعت از این اصل به نحو کاربردی باید بهره بگیرند و فتاوایی صادر کنند که کرامت بشری، این عطیه بزرگ الهی، زیر پا قرار نگیرد (محقق داماد، ۱۳۹۶).

شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام* با استناد به اصل کرامت بشری وقف بر غیرمسلمانان را مطلقاً جایز شمرده است. ایشان ضمن استناد به آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ» (مجادله/۲۲) در خصوص جواز مطلق وقف مسلمان به کافر ذمی، معتقد است وقف بر خود اهل ذمه بذاته اگر به آنها نفع برساند، مستلزم معصیت نیست، چراکه آنها نیز بندگان خدا و از ابنای آدم دارای کرامت هستند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«و كذا الوقف على أهل الذمة أنفسهم، فإنه بذاته لا يستلزم المعصية، إذ نفعهم - من حيث الحاجة و أنهم عباد الله، و من جملة بني آدم المكرمين، و من حيث يجوز أن يتولد منهم المسلمون - لا معصية فيه» (شهید ثانی، بی تا: ۳۳۳-۳۳۴).

مشهور اهل سنت نیز در استدلال به طهارت کفار به قول خداوند «لقد کرما بنی آدم» استدلال کردند و طاهر دانستن بدن آنها را نوعی تکریم آنها تلقی کردند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۳۳۱).

به‌طور کلی کرامت انسانی، در تبیین و ارائه احکام فقهی و قواعد حقوقی، تأثیر و نقش شایان توجه و انکارناپذیری دارد و بر اساس آن، می‌توان قاعده‌ای با عنوان قاعده «وجوب تکریم الانسان» در فقه و حقوق اسلامی تدوین کرد. آزادی اراده، قدرت تعقل و تفکر، داشتن وجهه و نفخه الهی از مهم‌ترین مبانی نظری این قاعده محسوب می‌شود و می‌توان از آنها به‌عنوان مستندات این قاعده تعبیر کرد.

(ارژنگ و دهقان، ۱۳۹۴: ۵۱). بنابراین از جمله اقتضات و آثار وجوب تکریم انسان، وجوب حفظ جان آنها از طریق ارائه کمک‌های بشردوستانه فارغ از هرگونه مذهب و نژاد و... است.

۲.۷. اصل عدالت

عدالت از جمله اصولی است که عقل قطعی و یقینی به قاعده بودن و اصل و اساس بودن آن حکم می‌کند. اصولیان امامیه نیز اعتقاد راسخ به حسن قبح ذاتی و عقلی دارند و روشن‌ترین مصداق حسن عقلی را عدالت و قبح عقلی را ظلم و ستم معرفی کرده و به اصطلاح گزاره حسن عدل و احسان و قبح ظلم و عدوان را از بدیهیات و مستقالات عقلیه به‌شمار می‌آورند. نه‌تنها سیره مستمر مسلمین که قطعاً از تعلیمات قرآن کریم و آموزه‌های معصومین (ع) سرچشمه گرفته، بلکه روش خردمندان هم در همه زمان‌ها و مکان‌ها بر مدار عدالت استقرار یافته است (اصغری، ۱۳۸۸: ۸).

قرآن کریم، هدف از فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی و آمدن پیامبران را فراهم کردن زمینه اجرای قسط و عدالت در جامعه می‌داند و بدون محدود کردن اجرای قسط و عدل به مورد خاصی، از مؤمنان می‌خواهد آن را در همه زمینه‌ها رعایت کنند. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز همانند پیامبران دیگر به اجرای عدالت در همه امور مأمور بود. خداوند از مؤمنان می‌خواهد که حتی با دشمنان خویش، به عدالت رفتار کنند و به آنان هشدار می‌دهد مبدا دشمنی آنان شما را به گناه و ترک عدالت وادار کند (مائده/۸). بنابراین رفتار عادلانه در مورد دشمن نیز مطلوب است و کفر کافر، مانع اجرای عدالت درباره وی نمی‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۳).

در کنار اصل کرامت بشری، اصل برابری انسانی است که خداوند متعال در آیات متعددی به آن تصریح کرده است. برای مثال «ای مردم بترسید از پروردگار خود! آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از او جفت وی را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار برانگیخت» (نساء/۱) و «نیست آفرینش و برانگیخته شدن همه شما مگر مثل یک تن واحد» (لقمان/۲۸). بسیاری از احادیث پیامبر (ص) نیز بر اصل برابری و مساوات تأکید می‌کنند. برای مثال «همه شما فرزندان آدم (ع) هستید، و آدم از خاک خلق شده است، پس هیچ‌کس اجازه ندارد به پدران خود مباهات کند» (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق: ۳۸۷).

وجود این نصوص الهی در متن تعالیم و آموزه‌های اسلام، دلیلی کافی بر این ادعا خواهد بود که برابری و مساوات، اصلی اساسی در شرع اسلام است؛ به طوری که با رویه‌های متناقضی که در طول تاریخ رخ داده است، مخدوش نمی‌شود. از این رو اعمال متناقض با اصل مساوات، صرفاً می‌توانند به عنوان تخلف از قانون شرع تلقی شوند (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۰۱). بنابراین بر اساس اصل عدالت و برابری همه انسان‌ها وجوب کمک به نیازمندان نه‌تنها منحصر به مسلمانان، بلکه شامل هر انسانی در هر جای دنیا که نیازمند کمک در مواقع اضطراری است، می‌شود.

۸. ادله درون فقهی اثبات وجوب ارائه کمک‌های بشردوستانه

۸.۱. قاعده وجوب حفظ نفس محترمه

نجات جان انسان در همه ادیان الهی به خصوص دین اسلام از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده نجات جان یک انسان را برابر با زنده کردن همه انسان‌ها دانسته است. در این زمینه در ادبیات فقهی با قاعده‌ای به نام قاعده وجوب حفظ نفس محترمه مواجهیم. این قاعده به‌طور مستقل در مباحث فقهی مورد بحث قرار نگرفته است، بلکه فقها از این قاعده ذیل بحث‌هایی همچون التقاط لقیط و کمک به عطشان و مضطر و مواردی از این قبیل برای اثبات وجوب ارائه کمک استفاده کرده‌اند.

لقیط در لغت به معنای ملقو و چیزی است که از روی زمین برداشته می‌شود؛ در اصطلاح شرعی به کودکی که از ترس خانواده یا فرار از زنا بر روی زمین رها می‌شود (جرجانی، بی‌تا: ۸۳-۸۴). نزد شیعه منظور از لقیط هر کودک و یا مجنون گمشده‌ای است که حامی ندارد (ابوحیب، ۱۴۰۸ق: ۳۳۲). در خصوص وجوب اخذ لقیط بر ملتقط اگر در معرض تلف باشد، بین فقها اختلاف وجود دارد و قول مشهور بین قدما و متأخران وجوب اخذ لقیط است. در این زمینه شیخ طوسی در مبسوط بیان کرده است: «الملقو و اللقیط بمعنی واحد، و أخذ الملقو واجب، و هو فرض علی الکفایة، مثل الصلاة علی الجنائز و دفن الموتی» (فاضل لنکرانی و همکاران، ۱۴۲۸ق: ۲۰۰). ملقو و لقیط به یک معنا هستند و برداشتنش مانند نماز میت و دفن آن واجب کفایی است.

علامه حلی در کتاب‌های قواعد الاحکام، تذکره الفقها و الارشاد الاذهان، فخرالمحققین در کتاب ایضاح الفوائد، شهید اول در کتاب دروس الشریعه، مقدس اردبیلی در کتاب مجمع الفوائد و البرهان، محقق کرکی در جامع المقاصد همگی حکم بر واجب کفایی بودن برداشتن لقیط کردند. شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام و محقق سبزواری در کتاب کفایه الاحکام حکم به وجوب کفایی اخذ لقیط را به معظم اصحاب نسبت دادند (فاضل لنکرانی و همکاران، ۱۴۲۸ق: ۲۰۰-۲۰۱). به‌طور کلی برای حکم به وجوب اخذ لقیط به موارد ذیل استدلال شده است:

الف) آیات: «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده/۲) که اخذ لقیط نیکی و ترکش گناه است، «وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (حج/۷۷) «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره/۱۴۸) اخذ لقیط و حفظش از هلاکت از افضل خیرات است.

ب) وجوب حفظ نفس از تلف چراکه لقیط بدون حفظ در معرض تلف است.

ج) وجوب اطعام مضطر و نجاتش و لقیط هم مضطر است (فاضل لنکرانی و همکاران، ۱۴۲۸ق: ۲۰۱).

علامه حلی در کتاب تذکره الفقها در خصوص واجب کفایی بودن برداشتن لقیط علاوه بر استناد به آیه «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ» به وجوب حفظ نفس محترمه و وجوب اطعام مضطر استدلال می‌کند. از دیدگاه

ایشان برداشتن لقیط از این جهت واجب کفایی است که سبب حفظ نفس محترمه از هلاکت می‌شود و ترک این عمل تلف شدن آن را در پی خواهد داشت، درحالی که خداوند متعال فرموده است: «همدیگر را در نیکوکاری و تقوا، یاری کنید و در گناه و تجاوز، یکدیگر را یاری نرسانید». از سوی دیگر این کار سبب احیای نفسی است که واجب است. علامه در اثبات وجوب غذا دادن به کسی که از گرسنگی دچار اضطراب شده و همچنین وجوب نجات غریق به آیات «و هر که او را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده» (مائده/۳۲) و «کار خیر انجام دهید» (حج/۷۷) استدلال می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ۳۰۹).

ایشان در کتاب *منتهی‌المطلب* در خصوص کسی که بین استفاده از آب برای طهارت و وضو گرفتن و دادن آن به شخص تشنه‌ای که در معرض تلف شدن است، ناگزیر به انتخاب یکی است، به وجوب سیراب کردن آن شخص به جای وضو گرفتن، حکم کرده و چنین استدلال می‌کنند:

«اگر شخص تشنه‌ای را بیابد که در معرض تلف شدن از تشنگی است، واجب است او را سیراب کند و خودش تیمم نماید، بر خلاف برخی از فقهای اهل سنت، دلیل ما این است که اطلاق احیای نفس بر سیراب کردن او صادق است، پس مصداق این سخن خداوند که می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده» است و از آنجایی که حرمت جان آدمی، مقدم بر نماز است و اگر هنگام نماز ببیند کسی در حال غرق شدن است، باید نماز را رها کند و او را نجات دهد، پس مقدم‌بودنش بر طهارت با آب، به طریق اولی است، همچنین حفظ جان دیگری، واجبی است که جایگزین ندارد؛ ولی وضو با اینکه واجب است، اما تیمم جایگزین آن خواهد بود» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۲۵).

برخی آیات مذکور را حمل بر امر مستحب کرده‌اند، چراکه در غیر این صورت سبب خروج بیشتر مصادیقش از حکم وجوب می‌شود و این امر قبیح است. قائلان به وجوب معتقدند: مقتضی حکم به مستحب این است که کمک بر گناه نیز حرام نباشد با اینکه شکی در ظهور آیه بر حرمت کمک بر گناه نیست؛ بنابراین شکی در ظهور آیه بر وجوب نیز نیست. اما در خصوص خروج بیشتر مصادیق از وجوب باید گفت: علاوه بر اینکه خروج کثیر قبیح نیست و در موارد بسیاری نسبت به عموماً وارده در شریعت اتفاق افتاده، به‌ناچار باید بگوییم بیشتر مصادیق موضوعاً و تخصصاً از تعاون خارج هستند و نوبت به بحث تخصیص نمی‌رسد.

شکی در این نیست که واژه «البر» همچنان که بر واجب اطلاق می‌شود، بر مستحب نیز اطلاق می‌شود و آیه درصداً بیان این دو نیست؛ بلکه وجوب و یا استحباب از دلیل خارج استفاده می‌شود. می‌توان آیه را بر وجوب تعاون حمل کرد، مانند حفظ جان محترم یا نجات غریق یا فرد سوخته و علت آن است که در احادیثی دفع منکر و ضرر در این امور واجب شده و حکم عقل نیز ما را تأکید می‌کند که در این موارد حمل بر وجوب تعاون کنیم. اما در مواردی که شارع مقدس دفع منکر را لازم ندانسته، دلیلی بر وجوب آن نخواهد بود؛ لذا حکم را بر استحباب حمل می‌کنیم (بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۲۳۴-۲۳۵).

در خصوص وجوب کمک به شخص مضطر فرقی میان مسلمان و کافر نیست شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام* در کمک به کسی که نیاز به طعام دارد (مضطر است) می‌فرماید: «وإن لم یکن المالک مضطراً إلیه فعلیه إطعام المضطر مسلماً کان أم ذمیا أم مستأمناً...». اگر مالک طعام نیاز ضروری به آن نداشته باشد، بر او اطعام مضطر واجب است، خواه شخص مضطر مسلمان باشد و یا کافر ذمی و... (شهید ثانی، بی‌تا: ۱۱۸).

۲.۸. اصل تألیف قلوب

زکات از مهم‌ترین نهادهای مالی در اسلام است که هدف آن حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و کم کردن فاصله طبقاتی میان اقشار یک جامعه است. با تأمل در کارکردهای زکات در آموزه‌های اسلام به خوبی می‌توان دریافت که هدف این برنامه اقتصادی و مالی، حمایت از جامعه اسلامی در کل از یک سو و تقویت روابط دوستانه میان جوامع اسلامی و غیراسلامی از سوی دیگر است. فقهای همه مذاهب اسلامی یکی از موارد هشت‌گانه مصرف زکات را عنوان «تألیف قلوب» دانسته‌اند (میرمحمدی و شریفی، ۱۳۹۵: ۲۸).

زکات از اقسام انفاق واجب است و در اسلام انفاق به غیرمسلمانان و در موضوع مورد بحث کمک‌های بشردوستانه که می‌تواند از مصادیق انفاق باشد، منع نشده است. خداوند در قرآن در جواز انفاق به غیرمسلمانان می‌فرماید: «هدایت آنها بر تو نیست؛ ولی خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند و آنچه را از خوبی‌ها انفاق می‌کنید به شما داده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد» (بقره/۲۷۲) در تفسیر مجمع‌البیان از ابن عباس نقل شده که مسلمانان حاضر نبودند به غیر مسلمین انفاق کنند، آیه مذکور نازل شد و به آنها اجازه داد که در مواقع لزوم این کار را انجام دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶).

۳.۸. مؤلفه قلوبهم

تألیف و مؤلفه از ریشه آلف هستند و در لغت به معنای انس و الفت و همچنین جمع کردن بین افراد بعد از تفرقشان و وصل کردن بعضی چیزها به بعضی دیگر نیز است (ابن منظور، ۱۴۰۴ق: ۱۰). قیومی در کتاب *مصباح‌المنیر مؤلفه قلوبهم* را چنین تعریف می‌کند: «آنها کسانی هستند که دل‌هایشان با مهربانی و محبت به سمتی دیگر میل می‌کند. رسول اکرم (ص) بخشی از صدقات را به مؤلفه می‌دادند و آنها از اشراف عرب بودند و به خاطر اینکه از شر آنان در امان باشند و یا اینکه خودشان و پیروانشان به اسلام متمایل شوند و یا به خاطر نزدیکی‌شان به جاهلیت، دین اسلام در دل آنها تثبیت شود، این کار را انجام می‌دادند» (قیومی، بی‌تا: ۱۸).

قسم چهارم از مستحقان زکات واجب طبق آیه ۶۰ سوره توبه مؤلفه قلوبهم هستند. از منظر فقها مؤلفه قلوبهم کافرانی هستند که احتمال دارد با دریافت صدقه به سمت جهاد در راه اسلام کشیده شوند. محقق سبزواری معتقد است بین علما در خصوص این حکم خلافی وجود ندارد و اجماع منقول نیز در کلام علما در این زمینه ذکر شده است. مورد اختلاف در این است که تألیف تنها مختص به کفار است یا شامل مسلمانان نیز می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب مبسوط معتقد است که منظور از مؤلفه قلوبهم نزد علما، کافرانی هستند که با دریافت بخشی از صدقات به سمت اسلام کشیده می‌شوند و برقراری ارتباط و دوستی با آنها بدین سبب است که از آنها در جهاد با اهل شرک می‌توان کمک گرفت. محقق سبزواری نیز تألیف را مختص به کفار می‌داند. برخی دیگر از علما از جمله محقق در کتاب شریع و شیخ مفید قائل به این شدند که مؤلفه قلوبهم دو قسم هستند: مسلمانان و مشرکان. برخی دیگر از علما از جمله ابن ادریس این قول را پذیرفتند. ابن جنید معتقد است که مؤلفه قلوبهم کسانی هستند که دین را به زبانشان اظهار کردند و مسلمانان را یاری نمودند و با آنها همراهی کردند مگر از لحاظ قلبی (محقق سبزواری، بی‌تا: ۴۵۴).

بسیاری از فقها مؤلفه القوبهم را به کافرانی اختصاص دادند که از آنها برای جنگ کمک خواسته می‌شود و یا به سمت اسلام گرایش پیدا می‌کنند؛ بنابراین کسانی هستند که هدف از اعطای زکات به آنها را برای یاری گرفتن از آنها در جنگ اختصاص دادند؛ مانند شیخ طوسی در کتاب خلاف، ابن حمزه در وسیله و محقق در شریع و گروهی دیگر هدف از این کار اعم از یاری و یا میل به اسلام دانستند. گروهی دیگر هدف را به جهاد اختصاص دادند و لکن یاری‌دهنده را اعم از کافر و مسلمان دانستند. شیخ مفید کتاب مقنعه و شیخ در کتاب نهاییه و سلار در کتاب مراسم و علامه در تذکره این قول را برگزیدند (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۱۱).

بحث مهم در این است که آیا سهم مؤلفه قلوبهم اختصاص به زمان پیامبر (ص) داشته یا بعد از ایشان و در عصر غیبت نیز همچنان ادامه دارد؟ شیخ طوسی معتقد است که این امر در زمان غیبت ساقط است، زیرا دلیل تألیف برای جهاد است و امر به جهاد نیز متوقف بر امام معصوم است و امام نیز اکنون غایب است (موسوی عاملی، بی‌تا: ۲۱۵) علامه در منتهی در پاسخ به استدلال شیخ طوسی معتقد است که جهاد در حال غیبت بر مسلمان زمانی که مشرکان بر آنها حمله کنند، برای دفع آسیب آنان و نه برای دعوت آنان به اسلام، واجب است. اگر در این زمان نیاز به تألیف باشد جایز است که سهمی از زکات به مؤلفه قلوبهم داده شود (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۱۵۹).

آیت‌الله سبحانی نیز قول به بقای سهم مؤلفه قلوبهم در زمان غیبت را مطابق ظاهر دانستند. ایشان معتقدند دلیلی برای سقوط آنچه نبی اکرم (ص) ثابت کردند پس از وجود موضوعش، نیست. دلیل شیخ طوسی برای سقوط این سهم بدین سبب است که ایشان مؤلفه قلوبهم را منحصر در کسانی دانستند که از

آنان برای هدف جهاد ابتدایی استفاده می‌شود و این نوع جهاد مختص به امام معصوم است. ولی اگر قائل به بقای حکم جهاد ابتدایی یا دفاعی در زمان معصوم باشیم، دلیلی برای سقوط این سهم حتی اگر مؤلفه قلوبهم را مختص به کفار بدانیم، وجود ندارد. مضاف بر اینکه هدف از اختصاص سهم به این گروه اعم از یاری جستن از آنان برای جهاد، میل به اسلام و یا تثبیت عقیده است (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

۹. نتیجه

در نظام بین‌المللی حقوق بشر هیچ‌گونه معاهده‌ای که بتواند لزوم ارائه کمک‌های بشردوستانه را بر کشورها تکلیف کند، وجود ندارد و اسناد موجود تنها موجد تعهدی اخلاقی برای دولت‌ها در این زمینه هستند. با وجود این یکی از مهم‌ترین حقوقی که می‌توان از طریق آن حق بر کمک‌های بشردوستانه را توجیه کرد و به آن ثبات حقوقی بخشید، حق بر حیات است. با استفاده از این حق و نگاه اثباتی به آن می‌توان تا حدودی تکلیف بر پذیرش کمک‌های بشردوستانه را ثابت کرد. اما وظیفه و تکلیف اولیه سایر دولت‌ها برای ارائه کمک‌های بشردوستانه یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه است. اما از منظر اسلام موضوع کمی متفاوت‌تر است و می‌توان وظیفه دولت‌ها به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان را که اساساً کل ساختار حقوق بین‌الملل اسلامی در خصوص آنان وضع شده است، بهتر اثبات کرد، چراکه اعتبار حقوق بشر در اندیشه اسلامی بدان سبب است که این حقوق جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است که در فقه اسلامی تبلور یافته و با نگاه اثباتی به آن از عمق و الزام و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار است.

در این زمینه از دو طریق ادله پیش‌فقهی و درون‌فقهی می‌توان تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه را اثبات کرد. ادله پیش‌فقهی کرامت انسانی و عدالت از جمله ادله‌ای هستند که مافوق سایر ادله درون‌فقهی قرار می‌گیرند، به طوری که در استنباط احکام هر حکمی در تضاد با آنها تخطئه خواهد شد؛ بنابراین چنین اصولی به‌راحتی اثبات‌کننده و جوب ارائه کمک‌های بشردوستانه در اسلام خواهند بود. ادله درون‌فقهی وجوب حفظ نفس محترمه و اصل تألیف قلوب در پرداخت زکات نیز تکلیف به ارائه چنین کمک‌هایی را به‌راحتی اثبات می‌کنند. در واقع وجود چنین ادله‌ای در فقه اسلامی مؤید فرضیه این پژوهش مبنی بر دیدگاه اثباتی دین اسلام نسبت به حقوق بشر و برخورداری آن از دلایل لازم برای اثبات تکلیف به ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرمسلمانان که اساس حقوق بین‌الملل اسلام در رابطه با آنان است، می‌باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. ج ۲. تهران: مؤسسه عروج.
۲. حمیدالله، محمد (۱۳۸۶). سلوک بین‌المللی دولت اسلامی. ترجمه سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۳). حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها. ج ۲، تهران: میزان.
۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل، رهیافتی اسلامی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). اسلام و کمک‌های مردمی. قم: نسل جوان.
۶. نوروزی، الهه (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل و بلایای طبیعی. تهران: عصر اندیشه.

ب) مقالات

۷. ارژنگ، اردوان و دهقان، مهدی (۱۳۹۴). قاعده وجوب تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی. فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۱۰۰، ۳۳-۵۴.
۸. اصغری، محمد (۱۳۸۸). عدالت به‌مثابه قاعده فقهی و حقوقی. فصلنامه حقوق، ۱، ۱-۲۱.
۹. سلطانی شورباخورلو، اسماعیل (۱۳۸۳). روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن. ماهنامه معرفت، ۸۳، ۶۲-۷۱.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمدمهدی (۱۳۸۶). حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام. فصلنامه حقوق، ۴، ۱۶۱-۱۸۹.
۱۱. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۴). تکلیف به نجات جان افراد در معرض خطر و ضمانت اجزای آن در آرای فقهای امامیه. فصلنامه قضاوت، ۸۴، ۲۵-۴۷.
۱۲. قربانیا، ناصر (۱۳۹۳). تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه. فصلنامه حقوق تطبیقی، ۱۰۲، ۲۱-۴۴.
۱۳. لسانی، سید حسام‌الدین (۱۳۹۸). بررسی تعهد دولت‌ها به قبول و ارسال کمک‌های بشردوستانه در زمان سوانح طبیعی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱، ۲۳۱-۲۴۸.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰). تحولات اجتهاد شیعی: مکتب‌ها، حوزه‌ها و روش‌ها؛ اجتهاد بر محور عدالت و کرامت بشری. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۵۶، ۷-۴۰.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶). جایگاه اصل کرامت انسانی در اجتهاد شیعی. روزنامه اطلاعات در: <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=335766> (۱۲ اسفند ۱۴۰۰).

۱۶. مصفا، نسرین و بنیاد، پاشا (۱۳۹۵). کاربرد دکترین مسئولیت به حمایت در حقوق بین‌الملل پاسخ به حوادث. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۳، ۵۱۱-۵۳۲.
۱۷. میرمحمدی، سید مصطفی و محمدحسین شریفی (۱۳۹۵). تألیف قلوب، مفهوم، قلمرو و کاربردهای آن در وضعیت معاصر. فصلنامه حکومت اسلامی، ۷۹، ۲۷-۵۲.
۱۸. حبیب‌اللهی، مجتبی (۱۳۹۵). حق و تکلیف دولت‌ها در ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

ج) مقاله چاپ‌شده در کتاب

۱۹. قربانیا، ناصر (۱۳۸۶). چالش‌های کمک‌های بشردوستانه در دوران جنگ بر ضد تروریسم در نسرین مصفا و دیگران، چالش‌های کمک‌های بشردوستانه در خاورمیانه. چ اول، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۱۹-۱۳۴.
۲۰. مستقیمی، بهرام (۱۳۸۶). شناخت مفهوم کمک بشردوستانه در نسرین مصفا و دیگران، چالش‌های کمک‌های بشردوستانه در خاورمیانه. تهران: وزارت امور خارجه، چ اول، ۱۱-۳۵.

۲. عربی

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

۱. ابوحیب، سعدی (۱۴۰۸ ق). القاموس الفقہی لغة واصطلاحاً. دمشق: دارالفکر.
۲. ابن کثیر، عمادالدین ابولفداء (۱۴۱۲ ق). تفسیر ابن کثیر. ج ۷، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر والتوزیع.
۳. ابن منظور، محمد (۱۴۰۴ ق). لسان العرب. ج ۹، بیروت: دار صادر.
۴. الفاضل اللنکرانی، محمدجواد و جمع من المحققین (۱۴۲۸ ق). احکام الاطفال. ج ۳، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۵. القیومی، احمد (بی‌تا). المصباح المنیر. ج ۱، بی‌جا: المکتبه العصریه.
۶. المحقق السبزواری، ملا محمدباقر (بی‌تا). ذخیره المعاد فی شرح الارشاد. ج ۳، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاجیاء التراث.
۷. المقدس الاردبیلی، المولی احمد (بی‌تا). مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الازهار. ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. جرجانی، علی بن محمد (بی‌تا). التعریفات. تهران: ناصرخسرو.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). الزکاه فی الشریعه الاسلامیه الغراء. ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (بی‌تا). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. ج ۵، بی‌جا: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقہا. ج ۱۷، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام لاجیاء التراث.
۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. ج ۳، مشهد: مجمع البحوث

الاسلامیه.

۱۳. مازندرانی، محمد صالح (بی تا). شرح الکافی. ج ۹، بی جا، المکتبه الاسلامیه.

۱۴. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقہیہ. ج ۵، قم: الرہادی.

۱۵. موسوی عاملی، سید محمد (بی تا). مدارک الاحکام. ج ۵، قم: مؤسسۃ آل البیت لاحیاء التراث.

۳. انگلیسی

A) Books

1. Artemis Kolliniati, M. (2019). *Human Rights and positive obligation to healthcare: Reading the European Convention on Human Rights through Joseph Raz's Theory of Rights*. Baden- Baden: Nomos.
2. De Guttry, A.; De Guttry, Andrea; Gestri, Marco; Venturini, Gabriella (2012). *International Disaster Response Law*. Berlin: Springer.
3. Fredman, S. (2008). *Human Rights Transformed: Positive Rights and Positive Duties*. New York: Oxford.
4. Heintze, H. J. & Andrej Zwitter (2011). *International Law and Humanitarian Assistance, A Crosscut Through Legal Issues Pertaining to Humanitarianism*. London: Springer.
5. Macalister Smith, P. (1985). *International Humanitarian Assistance: disaster Relief Action in International Law and Organization*. Dordrecht: springer.

B) Articles

6. Klatt, M. (2015, Spring). Positive rights: Who decides? Judicial review in balance. *International Journal of Constitutional Law*, 2, 354-382. Available At: <https://doi.org/10.1093/icon/mov019> (Accessed 3 September 2018).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی